

میری  
شلی



میری  
ولستون  
گرفت



روزفین  
بیکر



هتشیپسوت



سعیده  
الهورا



آنها چطور به انسان‌هایی بزرگ و  
شگفت‌انگیز تبدیل شدند؟

برای این که تاریخ را بسازید باید شجاع باشید، نترسید و خودتان را باور کنید، درست مثل زنان این کتاب. آن‌ها در دورانی زندگی می‌کردند که کسی انتظار نداشت زنان ایده‌های بزرگی داشته باشند، یا مسئولیت‌های خاصی را بپذیرند یا سخت‌کوش و بلندپرواز باشند؛ اما این چیزها جلوی آن‌ها را نگرفت. رفتار، کارها و کلماتشان، نه تنها تاریخ را ساخت بلکه کمک کرد تا دنیای امروزی ما شکل بگیرد. بخوانید و الهام بخش دیگران باشید!

آدا  
لاولیس



# بوندیکا

در سال ۴۳ پس از میلاد یعنی در زمان حمله‌ی رومی‌ها به انگلستان، بوندیکا ملکه‌ی یکی از قوم‌های سلتی به نام ایسنی بود. سلتی‌ها بر این باور بودند که زن‌ها رهبران قوی‌تری هستند، و بوندیکا با شخصیت بی‌باک، موی‌های ژولیده و مهارت‌هایش در نبرد و با شجاعت و قدرت رهبری بالا در دل هر کسی که او را می‌دید رعب و وحشت می‌انداخت. اما ارتش قدرتمند روم اشتباه بزرگی مرتکب شدند و چون بوندیکا یک زن بود او را دست کم گرفتند.

**دنبال نیزه بروید تا به جنگ بوندیکا در مقابل روم برسید...**

## سرزمین قبیله‌ی ایسنی

در سال ۵۹ بعد از میلاد، شوهر بوندیکا از دنیا رفت و بوندیکا مجبور شد به تنهایی حکومت را در دست بگیرد. رومی‌ها حکومت زنان را مسخره می‌کردند و به بوندیکا می‌گفتند حکومت را به آن‌ها واگذار کند. اما بوندیکا مقاومت کرد و در نتیجه رومی‌ها با او و دخترانش ظالمانه رفتار کردند. رومی‌ها فکر کردند بوندیکا را ترسانده‌اند اما...

**آن‌ها باید بفهمند اشتباه کرده‌اند!**

بوندیکا، خشمگین از اتفاقاتی که برای او و مردمانش رخ داده بود، ارتش ترسناکی از ایسنی‌ها و سربازهای ترینووانت که قبیله همسایه‌شان بود تشکیل داد.

این لشکر برای انتقام لاندینیوم را ویران کرد. لاندینیوم یکی از شهرهای رومی‌ها بود که بعدها لندن نامیده شد.

بوندیکا ابتدا دستور حمله به شهر کامولدونیوم روم را صادر کرد. آن‌ها نشان دادند که چه قدر بی‌رحم هستند و معبدی را که برای امپراتوری روم محترم بود نابود کردند و به آتش کشیدند.

به دنبال بوندیکا

**لاندینیوم**

بعد، بوندیکا به سمت شهر وِزلامیوم روم پیشروی کرد و خرابی‌های زیادی به بار آورد.

مهله!

ارتش درنده‌خوی بوندیکا رومی‌ها را شگفت‌زده کرد. قیام او باعث نگرانی‌هایی در انگلستان شد.

بزرگ روم!

وقتی بالاخره شورشی‌ها و ارتش روم در مقابل هم قرار گرفتند، بوندیکا ارتشش را به نبرد شجاعانه تشویق کرد. اما بار اول آن‌ها شکست خوردند.

شکست فوردم اما هیچ وقت فراموش نشدم!

هیچ‌کسی واقعاً نمی‌داند چه اتفاقی برای بوندیکا افتاد. بعضی‌ها می‌گویند به خاطر این‌که رومی‌ها اسیرش نکنند، با سم خودکشی کرده و عده‌ای دیگر فکر می‌کردند که در نبرد کشته شده است.

اما یک چیز مشخص است: بوندیکای بزرگ از این نمی‌ترسید که از مردمش و از زندگی مردمش دفاع کند. به همین دلیل است که بعد از گذشت ۲۰۰۰ سال، هنوز افسانه بوندیکا باقی مانده است.

